Moafimadani & Ahmadi *Scholarship in Educational Leadership and Management Journal* (SELMJ) (2024) 1:1

Scholarship in Educational Leadership and Management Journal (SELMJ)

Original Article **Published online: 21 September 2024**

تاملی بر کاربرد دیرینه شناسی در تحقیقات رهبری آموزشی

سیده خدیجه معافی مدنی[۱] ، سیده معصومه احمدی[۲*]

* نویسنده مسئول:

info@sapubonline.com

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاداسلامی، تنکابن،ایران.

۲. انتشارات آکادمی علوم، لاهیجان، ایران.

چکیده

با افزایش پیچیدگی و تنوع در اداره نظام‌های آموزشی، نیاز به توسعه تنوع در رویکردهای دانش‌پژوهی در حوزه مطالعاتی مدیریت و رهبری آموزشی، بیش از پیش احساس می‌شود. رویکرد دیرینه شناسی فوکویی به عنوان یک روش تحقیق کیفی، از جمله رویکردهای معرفت‌شناسانه ای است که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این روش تحقیق به تحلیل و بررسی چگونگی شکل گیری و تحول دانش و گفتمان‌ها در طول تاریخ می‌پردازد. مقاله حاضر با هدف بررسی و تحلیل کاربرد دیرینه‌شناسی در تحقیقات رهبری آموزشی، به بررسی و تحلیل مقاله "دیرینه شناسی رهبری آموزشی به عنوان یک حوزه بیانی" نوشته ریچارد نیشه، دانشیار دانشگاه نیو ساوت ولز، پرداخته است. هدف اصلی مقاله، پاسخ به این پرسش است که « مقاله نیشه تا چه حد توانسته است با استفاده از روش دیرینه شناسی درک بهتری از ماهیت پیچیده حوزه مطالعاتی رهبری آموزشی ارائه دهد؟» بررسی ها نشان می‌دهد که نیشه به خوبی توانسته است معرفت شناسی فوکویی را در حوزه مطالعاتی رهبری آموزشی درهم آمیزد و از آنها برای تحلیل و بررسی مسائل رهبری آموزشی بهره مند شود. با این حال، استفاده از مفاهیم پیچیده فوکو، ممکن است برای برخی از خوانندگان که در زمینه فلسفه و نظریه‌های فوکو پیش زمینه‌ای ندارند، دشوار باشد. همچنین، برخی از مفاهیم و روش‌های ارائه شده در مقاله نیشه، همانطور که خود وی نیز اذعان دارد، شدیدا بافتارمند هستند.

کلید واژه: رهبری، رهبری آموزشی، دیرینه شناسی، فوکو، مدیران آموزشی

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

این نشریه توسط انتشارات آکادمی علوم منتشر می گردد.

This work is licensed under Creative Commons Attribution 4.0 International. To view a copy of this license, visit https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

مقدمه

در دنیای پرشتاب و متحول کنونی، اهمیت رهبری آموزشی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و پرورش بر هیچ‌کس پوشیده نیست. افزایش پیچیدگی‌های نظام آموزشی و نیاز به بهبود مداوم کیفیت آموزش و پرورش، ضرورت انجام تحقیقات جامع و چند بعدی در حوزه مطالعاتی رهبری آموزشی را بیشتر کرده است. با وجود اهمیت بالای اندیشه‌ورزی در رهبری آموزشی، هنوز بسیاری از جنبه‌های این حوزه مطالعاتی به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است (نیشه و گولت[1]، ۲۰۲۰).

در حوزه مطالعاتی مدیریت و رهبری آموزشی، دو جریان قابل بازشناسی است که هر یک با رویکردها و نظریه های خاص خود به بررسی و تحلیل مسائل مدیریتی و رهبری در محیط های آموزشی می پردازند. فراگیرترین این روندها، چیزی است که از آن می توان به عنوان جریان اصلی در حوزه مطالعاتی رهبری آموزشی نام برد. در این جریان، جستجوی بهترین مدل و بهترین نتیجه با تاکید بر نوعی معقولیت و مقبولیت آکادمیک، محور بیشتر فعالیت های پژوهشی محسوب می شود. در مقابل، جریان دیگری در حال پدیدآیی است که متکثر و حاشیه‌ای است و به دنبال شکستن قالب های جریان اصلی، و ارائه دیدگاه های متنوع تری هستند. این رویکردهای اخیر اغلب بر مبنای نظریه های انتقادی، مطالعات فرهنگی، و دیدگاه های بین رشته ای توسعه یافته اند. ویژگی های اصلی این جریان تأکید بر عدالت اجتماعی و برابری، رویکردهای انعطاف پذیر و پویا و توجه به فرهنگ و زمینه های محلی است(خلخالی، پالی، احمدی، ۲۰۲۴). هر دو جریان اشاره شده دارای اهمیت و ارزش‌های خاص خود هستند و میتوانند به بهبود فرآیندهای مدیریتی و رهبری در محیطهای آموزشی کمک کنند. ترکیب نقاط قوت هر دو جریان میتواند به ایجاد راه‌حل‌های جامع‌تر و مؤثرتری منجر شود که هم به بهبود کارایی و هم به تحقق عدالت اجتماعی در محیط های آموزشی کمک کنند(نعمتی و شیربگی، ۲۰۲۲).

یکی از روش‌های متفاوت نسبت به جریان اصلی، که می‌تواند در تحلیل و بررسی رهبری آموزشی مؤثر باشد، استفاده از رویکرد دیرینه‌شناسی فوکو[2] است. رویکرد دیرینه‌شناسی، به عنوان یک روش تحقیق کیفی به تحلیل ساختارها و تغییرات تاریخی و فرهنگی می‌پردازد (میفسود[3]، ۲۰۱۷). استفاده از این رویکرد در زمینه رهبری آموزشی، ابزارها و مفاهیم پیچیده‌ای را ارائه می‌دهد که به کشف اشکال جدید دانش و بازبینی مفهوم رهبری آموزشی کمک می‌کند. با وجود گستردگی آثار فوکو، هنوز پتانسیل زیادی برای کشف ایده‌های کمتر شناخته شده وجود دارد (نیشه، ۲۰۲۲).

یکی از اندیشمندان که تلاش کرد با استفاده از روش دیرینه‌شناسی[4] فوکو، نگاهی نو و متفاوت به رهبری آموزشی بیندازد، ریچارد نیشه[5] دانشیار دانشکده آموزش در دانشگاه نیو ساوت ولز، سیدنی، استرالیا[6] است. وی در کتاب راهنمای گفتمان رهبری و مدیریت آموزشی پالگریو[7] مقاله‌ای با عنوان "دیرینه‌شناسی رهبری آموزشی به عنوان یک میدان بیانی[8]"، ارائه کرده است. این مقاله به بررسی نحوه استفاده از روش‌های میشل فوکو برای درک مفاهیم رهبری آموزشی می‌پردازد. نویسنده با استفاده از دیدگاه‌های

[1]. Gowlett
[2] Michel Foucault
[3] Mifsud
[4] Archaeology
[5] Richard Niesche
[6] UNSW Sydney, Sydney, NSW, Australia
[7] The Palgrave Handbook of Educational Leadership and Management Discourse
[8] The archaeology of educational leadership as an enunciative field

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

دیرینه‌شناسی و گفتمان به عنوان جنبه‌های مرکزی در روش فوکو، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان این مفاهیم را برای کاوش در رهبری آموزشی به کار برد (نیشه، ۲۰۲۲).

مقاله حاضر با هدف بررسی و تحلیل کاربرد دیرینه‌شناسی در تحقیقات رهبری آموزشی به بررسی و تحلیل مقاله "دیرینه‌شناسی رهبری آموزشی به عنوان یک میدان بیانی" پرداخته است. بر این اساس، هدف اصلی مقاله، پاسخ به این پرسش است که «تا چه اندازه مقاله ریچارد نیشه توانسته با استفاده از روش دیرینه‌شناسی درک بهتری از ماهیت پیچیده رهبری آموزشی ارائه دهد؟ » به منظور پاسخ به پرسش فوق مقاله مذکور به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفت و یادداشت‌برداری و خلاصه‌سازی متن انجام شد، بر این پایه، مقاله در پنج بخش رویکرد فوکویی در پژوهش، رهبری آموزشی به عنوان گفتمان، پیشینه کاربرد روش‌شناسی فوکو در حوزه رهبری آموزشی، بحث و بررسی و نتیجه‌گیری سازماندهی شده است.

رویکرد فوکویی در پژوهش

از آنجا که گذشته، بُعد اجتناب‌ناپذیر واقعیت است و بدون آن شناخت ناقص خواهد بود، از این رو تحقیقات علوم انسانی جهت شناخت تغییرات اجتماعی و توانایی پیش‌بینی آینده باید از تاریخ بهره گیرند. دو رویکرد در مطالعه تاریخ وجود دارد. رویکرد اول، رویکردی سنتی است که به موجب آن تغییرات اجتماعی یا توسعه تاریخی، تابع قانون توالی جبری است. که اساس آن خطی بودن و پیوستگی وقایع تاریخی می‌باشد. این روش به دنبال توالی زمانی و علت و معلول در تاریخ است و تلاش می‌کند تا یک روایت منسجم و پیوسته از گذشته ارائه دهد. در این رویکرد، تاریخ به عنوان یک روند پیشرفت و تکامل دیده می‌شود که از گذشته به حال و آینده حرکت می‌کند (کراپ[1]، ۲۰۲۱).

رویکرد دوم، رویکرد فوکو است. میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴) فیلسوف و نظریه‌پرداز فرانسوی معاصر بود که به دلیل نظریه‌های انتقادی خود در مورد قدرت، دانش و جنون شهرت داشت. کارهای او بر طیف وسیعی از رشته‌ها از جمله علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، ادبیات، آموزش و پرورش و مطالعات حقوقی تأثیر گذاشته است. فوکو کار تاریخی خود را کاملا متفاوت با تاریخ نویسی متعارف می‌دانست. وی بر این باور بود که دانش و حقیقت ساخته‌های اجتماعی هستند که تحت تأثیر قدرت شکل می‌گیرند. او از پژوهشگران دعوت می‌کرد تا به جای ارائه راه‌حل‌های آماده، به طرح مسئله بپردازند و پیچیدگی‌های روابط قدرت را آشکار کنند. این فیلسوف فرانسوی به جای تمرکز بر تداوم تاریخی، به بررسی رویدادها و فرآیندهای متعددی که به شکل‌گیری آن‌ها منجر شده، علاقه‌مند بود وبه تاریخ نگاری متداول انتقاد می‌کرد و آن را تمامیت‌گرا می‌دانست. فوکو معتقد بود که تاریخ‌نگاری متداول به دنبال ایجاد یک روایت یکپارچه و خطی از تاریخ است که در آن همه چیز به صورت منطقی و پیوسته به هم مرتبط است. او این رویکرد را نقد می‌کرد و به جای آن، بر اهمیت بررسی گسست‌ها و انقطاع‌ها در تاریخ تأکید داشت(نیشه، ۲۰۲۲). از منظر فوکو، تاریخ مجموعه‌ای از پراکندگی‌ها و تکه تکه‌هایی است که در نگاه نخست، پیوسته و تکاملی می‌نمایند، اما در حقیقت، تکه‌هایی جداشده، اتفاقی و بدون جهت‌گیری بسوی هدفی واحدند. به عبارتی فوکو به جای دیدن تاریخ به عنوان یک روند پیوسته، آن را به عنوان مجموعه‌ای از گسست‌ها و تحولات می‌بیند که در آن قدرت و دانش نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند (ورقزه[2]، ۲۰۲۳).

[1] Krarup
[2] Varghese

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

فوکو دو روش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی[1] را برای مطالعه تاریخ معرفی نمود و آنها را به جای روش‌شناسی تاریخ سنتی ارائه داد. در زندگی فکری فوکو، شاهد گسست و تغییر جهت از دیرینه‌شناسی به تبارشناسی هستیم (بیتی[2]، ۲۰۲۰). دیرینه‌شناسی، به تحلیل ساختارهای گفتمانی و شرایط امکان‌پذیری دانش در دوره‌های مختلف تاریخی می‌پردازد. هدف آن کشف قواعد و ساختارهایی است که در هر دوره تاریخی، دانش و گفتمان‌ها را شکل می‌دهند. تبارشناسی به بررسی تاریخچه و تحول مفاهیم و گفتمان‌ها می‌پردازد و به دنبال ریشه‌یابی و تحلیل تغییرات و تحولات تاریخی است. تبارشناسی به جای تمرکز بر ساختارهای ثابت، به بررسی فرآیندهای تاریخی و تغییرات پویای مفاهیم می‌پردازد (کراپ، ۲۰۲۱).

ریچارد نیشه (۲۰۲۲) معتقد است که محققان اغلب از مفاهیم فوکو مانند؛ قدرت انضباطی و حکومت برای تحلیل موضوعات مختلف استفاده می‌کنند. اما استفاده صرف از این مفاهیم به معنای اتخاذ کامل رویکرد فوکویی نیست. وی بر این باور است که برای استفاده مؤثر از رویکرد فوکویی، پژوهشگران باید فراتر از به کار بردن مفاهیم او رفته و به روش‌شناسی و فلسفه او نیز توجه کنند. مسئله‌سازی، نقد و شک‌گرایی از جمله ویژگی‌های بارز رویکرد فوکویی است که پژوهشگران باید در پژوهش‌های خود به آن‌ها توجه کنند. ریچارد نیشه به پنج اصل اساسی رویکرد فوکویی اشاره می‌کند که توسط کلر اُفارل تدوین شده است. این اصول به شرح زیر هستند (نیشه، ۲۰۲۲):.

جدول ۱- اصول اساسی رویکرد فوکویی

اصول	توضیح
زیر سوال بردن نظم و نظام‌های دانش موجود	فوکو معتقد بود که تلاش برای ایجاد نظم و طبقه‌بندی دانش بشری ذاتا محدود است. همه اشکال نظم باید به طور مداوم مورد سوال قرار گیرند تا مردم بتوانند دلایل وجود قوانین موجود را درک کنند و اینکه آیا باید آنها را تغییر داد.
استفاده از تاریخ برای بررسی و نقد نظام‌های موجود	فوکولت استدلال می‌کند که بهترین راه برای درک و به چالش کشیدن اشکال کنونی دانش و قدرت، بررسی تاریخی آنهاست. از نظر او، هیچ پدیده انسانی خارج از تاریخ وجود ندارد و هر ایده و عمل انسانی در زمان خاصی ریشه دارد.
حقیقت به مثابه یک مفهوم تاریخی	فوکو مفهوم حقیقت را به عنوان یک ساختار اجتماعی معرفی می‌کند که در طول زمان تغییر می‌کند. او معتقد است که ایده حقیقت در غرب به ویژه از دوران روشنگری اهمیت داشته است، جایی که دو رویکرد اصلی برای دستیابی به حقیقت وجود داشته است: روش «عقلانی» یا «علمی» که از زمان دکارت غالب شده است، و رویکرد قدیمی‌تر که بر پایه خودسازی معنوی و تجربه استوار است. فوکو در طول کار خود از رویکرد دوم دفاع می‌کند.
دانش تحت تاثیر قدرت	فوکو استدلال می‌کند که دانش هرگز خنثی نیست و همیشه تحت تأثیر نیروهای سیاسی، اجتماعی و تاریخی قرار دارد. او معتقد است که مهم است که رابطه بین دانش و قدرتی که آن را تولید و محدود می‌کند، بررسی شود.
عدالت اجتماعی به عنوان یک ضرورت اخلاقی	برای فوکو، عدالت اجتماعی یک دغدغه اخلاقی مهم است که نیازمند توجه مداوم، بررسی و عمل است.

دیرینه‌شناسی

یکی از مفاهیم کلیدی فوکو، که آن را در برابر تاریخ‌گرایی رایج و سنتی قرار می‌دهد، مفهوم دیرینه‌شناسی است. دیرینه‌شناسی در اندیشه میشل فوکو به عنوان روشی برای تحلیل تاریخی گفتمان‌ها و دانش‌ها به کار می‌رود. این رویکرد به او این امکان را می‌دهد تا

[1] Genealogy
[2] Liana Beattie

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

گفتمان‌ها را به عنوان کردارهای مستقل بررسی کرده و از روش‌های تفسیری سنتی فاصله گرفته و به تحلیل عمیق‌تری از گفتمان‌ها و ساختارهای معرفتی دست یابد. هدف دیرینه‌شناسی، تحقیق در شرایطی است که در آن سوژه‌ای (مثلاً بیمار یا انسان) به منزله موضوعی که می‌تواند مورد شناخت قرار گیرد، ایجاد و ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر دیرینه‌شناسی شیوه تحلیل قواعد نهفته و ناآگاهانه تشکیل گفتمان‌ها در علوم انسانی است (کراپ, ۲۰۲۱). فوکو از دیرینه‌شناسی برای بررسی چگونگی شکل‌گیری و تحول نظام‌های فکری و معرفتی در طول زمان استفاده می‌کرد. وی در این روش به تحلیل و بررسی شرایط و قواعدی می‌پرداخت که تعیین می‌کنند چه نوع دانش و گفتمان‌هایی در یک دوره خاص معتبر هستند (کریم[1], ۲۰۲۱).

فوکو در سه کتاب مهم "تاریخ دیوانگی[2]" (۱۹۶۱)، "تولد درمانگاه[3]" (۱۹۶۳) و "نظم اشیاء[4]" (۱۹۷۰) از دیرینه‌شناسی به عنوان روشی برای تحلیل گفتمان‌ها و ساختارهای معرفتی استفاده کرد. وی در این آثار به بررسی دیرینه‌شناسانه دیوانگی، پزشکی و علوم انسانی پرداخته و در همه آنها قصد داشته با نشان دادن مصادیق تاریخی، تاریخ سنتی را نقد کند و نشان دهد که در هر کدام از این موارد خاص با تکامل و تداوم سر و کار نداریم، بلکه با گسست، شکاف، خلأ و تفاوت سر و کار داریم. البته او در هیچکدام از کتاب‌های مذکور روش دیرینه‌شناسی را توضیح نداده است و تنها در مقدمه کتاب "دیرینه‌شناسی دانش[5]" است که می‌گوید این سه کتاب کاربرد عملی روش دیرینه‌شناسی هستند (فوکو، ۲۰۰۲).

فوکو در کتاب "دیرینه‌شناسی دانش" تلاش کرده تا مفاهیم و روش‌های به کار رفته در کتاب قبلی خود "نظم اشیاء" را دقیق‌تر توضیح دهد و برخی سوءتفاهم‌ها را برطرف کند. فوکو گرچه به ساختارگرایی علاقه‌مند بود اما رویکرد او بیشتر به جای تمرکز بر ساختار، بر بررسی چگونگی شکل‌گیری و تغییر گفتمان‌ها تمرکز داشت. فوکو در این کتاب به بررسی گفتمان‌ها و چگونگی شکل‌گیری و تغییر آن‌ها می‌پردازد و معتقد است که گفتمان‌ها نه تنها واقعیت را توصیف می‌کنند، بلکه آن را شکل می‌دهند. دیرینه‌شناسی دانش به فوکو اجازه می‌دهد تاریخ دانش را به عنوان یک فرآیند پویا و متغیر بررسی کند. او با استفاده از این روش به دنبال کشف ریشه‌های گفتمان‌ها و چگونگی تغییر آن‌ها در طول زمان است. وی به جای ارائه راه‌حل برای مسائل، بر طرح سوالات پیچیده و نشان دادن پیچیدگی مسائل اجتماعی تمرکز می‌کند. (نیشه، ۲۰۲۲). کتاب "دیرینه‌شناسی دانش" فوکو، یک منبع ارزشمند برای پژوهشگران در حوزه‌های مختلف، از جمله آموزش و پرورش است. این کتاب به ما کمک می‌کند تا با رویکردی انتقادی و تاریخی به پدیده‌های اجتماعی نگاه کنیم و درک عمیق‌تری از آن‌ها پیدا کنیم.

دیرینه‌شناسی در پی شرح شرایط وجود گفتمان و حوزه عملی کاربرد و انتشار آن است. هر گفتمان تاریخیت خاصی دارد. از این نگاه، گفتمان‌ها در مسیر اجتناب‌ناپذیر واحدی قرار نمی‌گیرند، بلکه اشکال و رشته‌های مختلفی از توالی و پیوستگی در کار است. فوکو بر این اعتقاد نیست که زبان کاملاً آزاد است، بلکه از نظر وی در هر دوره‌ای، در هر حوزه خاصی، محدودیت‌های ذاتی وجود دارند که نحوه تفکر افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. او معتقد است که دانش و گفتمان‌ها نه به صورت خطی و پیوسته، بلکه به صورت گسسته و در قالب اپیستمه‌های مختلف (نظام‌های معرفتی) شکل می‌گیرند (پورقربان[6]، ۲۰۲۳).

[1] Muzaffar Karim
[2] Folie et Déraison: Histoire de la folie à l'âge classique
[3] *Naissance de la clinique*
[4] *Les Mots et les choses*
[5] *L'archéologie du savoir*
[6] Younes Poorghorban

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

از نگاه میشل فوکو، اپیستمه[1] به مجموعه‌ای از دانش‌ها و گفتمان‌هایی اشاره دارد که در یک دوره تاریخی خاص، چارچوب فکری و معرفتی آن دوره را تشکیل می‌دهند و تغییرات آنها نشان دهنده تحولات عمیق در ساختارهای فکری و اجتماعی است. به عبارت دیگر، اپیستمه به ساختارهای معرفتی و قواعدی اشاره دارد که در هر دوره تاریخی، تعیین می‌کنند چه چیزی می‌تواند به عنوان دانش معتبر شناخته شود و چه چیزی نمی‌تواند. فوکو معتقد است که هر دوره تاریخی دارای اپیستمه خاص خود است که به وسیله آن، دانش و گفتمان‌ها شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند. این اپیستمه‌ها نه تنها دانش علمی، بلکه تمامی جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. فوکو در کتاب "تاریخ دیوانگی" از سه اپیستمه (دوره تاریخی خاص) یاد می‌کند: عصر رنسانس، عصر کلاسیک و عصر مدرن، که هر یک نشانگر وجود ساختار فکری کاملاً متفاوت و متمایزی است. در دوره کلاسیک (قرن ۱۷ و ۱۸)، اپیستمه بر اساس طبقه‌بندی و نظم بود. دانشمندان و فیلسوفان تلاش می‌کردند تا جهان را به صورت منظم و طبقه‌بندی شده درک کنند. در دوره مدرن (قرن ۱۹ و ۲۰)، اپیستمه به سمت تحلیل و تفسیر تغییر کرد. دانشمندان به دنبال فهم عمیق‌تر و تحلیل دقیقتر پدیده‌ها بودند (منوخا[2]، ۲۰۰۹).

با این حال، دیرینه‌شناسی نیز دارای محدودیت‌هایی است. یکی از این محدودیت‌ها، نیاز به دسترسی به منابع تاریخی و داده‌های دقیق و معتبر است که ممکن است همیشه در دسترس نباشند. علاوه بر این، تحلیل‌های دیرینه‌شناسی ممکن است به دلیل پیچیدگی و گستردگی موضوعات مورد بررسی، زمان‌بر و پرهزینه باشند. تحلیل ساختارهای تاریخی و فرهنگی نیازمند زمان و منابع زیادی است (پورقربان، ۲۰۲۳). همچنین استفاده مؤثر از دیرینه‌شناسی نیازمند تخصص و دانش عمیق در زمینه‌های مختلفی مانند تاریخ، فرهنگ و تحلیل گفتمان است. دیرینه‌شناسی فوکو به دلیل تمرکز بر گسست‌ها و تغییرات ناگهانی، مورد نقد برخی از نظریه‌پردازان قرار گرفته است. منتقدان معتقدند که این روش ممکن است به نادیده گرفتن پیوستگی‌ها و تداوم‌های تاریخی منجر شود. با این حال، دیرینه‌شناسی فوکو به عنوان روشی نوآورانه و مؤثر برای تحلیل تاریخی گفتمان‌ها و دانش‌ها شناخته می‌شود. محققان در اندیشه فوکو به این مسئله اذعان نموده‌اند که اندیشه‌های وی را به راحتی نمی‌توان ذیل یکی از حوزه‌های پژوهش رسمی، یا مرزهای سنتی رشته‌های دانشگاهی قرار داد و تحلیل‌های وی نیز چارچوب‌های قراردادی علوم اجتماعی و انسانی را بر نمی‌تابد (کراپ، ۲۰۲۱).

گفتمان

گفتمان [3] یک شبکه بهم پیوسته از ایده‌ها، مفاهیم، گزاره‌ها ،مفروضات و زبان است که در یک جامعه یا حوزه خاص به کار می‌رود. به عبارت دیگر، گفتمان نحوه‌ای از بازنمایی و تولید دانش درباره یک موضوع است که از طریق زبان و ارتباطات شکل می‌گیرد. بعنوان مثال؛ گفتمان آموزشی شامل مجموعه‌ای از مفاهیم، روش‌ها و اهداف است که در مورد آموزش و پرورش به کار می‌رود. گفتمان‌ها نه تنها واقعیت را توصیف می‌کنند، بلکه آن را می‌سازند و شکل می‌دهند .به عبارت دیگر، گفتمان‌ها تعیین می‌کنند که چه چیزی قابل گفتن است، چه چیزی قابل تصور است و چه چیزی به عنوان حقیقت پذیرفته می‌شود. گفتمان‌ها ابزار قدرتمندی

[1] episteme
[2] Manokha
[3] Discourse

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

برای اعمال کنترل و نظارت بر افراد و جامعه هستند . آن‌ها تعیین می‌کنند که چه کسی می‌تواند حرف بزند و چه کسی حق دارد دانش تولید کند. گزاره‌ها به عنوان واحدهای اساسی گفتمان عمل می‌کنند و به شکل‌گیری و تغییر گفتمان‌ها کمک می‌کنند (نیشه، ۲۰۲۲).

میخائیل باختین؛ زبان‌شناس معاصر، تحلیل زبان‌شناسانه مستقل از واقعیت‌های عملی و اجتماعی را نادرست می‌داند و معتقد است، که زمینه اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیر از عصر ارتباط کلامی است و معنای گزاره‌ها از راه فهم «گفتمان» یعنی ادراک موقعیت گوینده حاصل می‌شود (کراپ, ۲۰۲۱). فوکو به نقش موقعیت فرد و قدرت نهادی در شکل‌گیری گفتمان‌ها تاکید می‌کند. "چه کسی صحبت می‌کند؟ شکل موقعیت نهادی چیست؟ جایگاه هدف نسبت به گروه‌های مختلف اهداف چیست؟ " از سوالات کلیدی برای تحلیل گفتمان هستند (نیشه، ۲۰۲۲). در اندیشه فوکو، گفتمان تنها به زبان محدود نمی‌شود، به مراتب پیچیده‌تر از یک گفت‌وگو یا مکالمه ساده است. فوکو گفتمان را به عنوان یک نظام پیچیده از دانش، قدرت، هویت و روابط اجتماعی تعریف می‌کند که بر شکل‌گیری واقعیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. .فوکو معتقد است که قدرت در همه جا حاضر است و در همه روابط اجتماعی وجود دارد . گفتمان‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت هستند. دانش و قدرت در دیدگاه فوکو به هم گره خورده‌اند. کسانی که کنترل گفتمان‌ها را در دست دارند، قدرت تعریف دانش و تعیین آنچه به عنوان حقیقت پذیرفته می‌شود را نیز در اختیار دارند. گفتمان‌ها ثابت نیستند و دائماً در حال تغییر و تحول هستند. آن‌ها تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلف قرار می‌گیرند (خان و مک ایچن[1]، ۲۰۲۱).

رهبری آموزشی به عنوان گفتمان

ریچارد نیشه (۲۰۲۲) به بررسی ارتباط بین رهبری آموزشی و نظریات میشل فوکو می‌پردازد. وی معتقد است که اگر کسی فقط به اثربخشی و بهبود مدرسه علاقه‌مند باشد، ممکن است نظریات فوکو برای او کاربردی نباشد. اما اگر کسی به چگونگی شکل‌گیری حوزه‌های دانش مانند اثربخشی و بهبود مدرسه علاقه‌مند باشد، نظریات فوکو می‌تواند بسیار مفید باشد. به عبارت دیگر، می‌توان با استفاده از مفاهیم فوکویی به تحلیل تاریخ حاضر رهبری آموزشی پرداخت. نویسنده به تنوع گفتمان‌های رهبری آموزشی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که هر یک از این گفتمان‌ها دارای تاریخچه، ارزش‌ها و رویکردهای خاص خود است. وی معتقد است که رهبری آموزشی نه تنها یک عمل یا مجموعه‌ای از مهارت‌ها، بلکه یک گفتمان است که در بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خاصی شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. وی بر اهمیت تحلیل تاریخی گفتمان رهبری آموزشی تاکید می‌کند. چرا که با بررسی گذشته می‌توان به درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری مفاهیم و رویه‌های کنونی دست یافت. گفتمان نه تنها بر عمل رهبران آموزشی تأثیر می‌گذارد، بلکه خود نیز تحت تأثیر عمل آن‌ها شکل می‌گیرند. ریچارد نیجه به نقش نئولیبرالیسم به عنوان یک نیروی قدرتمند در شکل‌گیری گفتمان‌های رهبری آموزشی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این ایدئولوژی بر تعریف و عمل رهبری آموزشی تأثیر گذاشته است. بنابراین لازم است تاریخچه نئولیبرالیسم و تاریخچه رهبری آموزشی را در کنار هم مطالعه کرد و نئولیبرالیسم را به عنوان یک

[1] Khan & MacEachen

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

نیروی قدرتمندکه در شکل‌گیری گفتمان رهبری آموزشی معرفی می‌کند و معتقد است که نئولیبرالیسم با تأکید بر رقابت، بازار آزاد و خودمختاری مدارس، بر تعریف و عمل رهبری آموزشی تأثیر گذاشته است. .مفاهیمی مانند استقلال مدرسه، رقابت و کارآفرینی تحت تأثیر این گفتمان شکل گرفته‌اند (نیشه، ۲۰۲۲).

پیشینه کاربرد روش‌شناسی فوکو در حوزه رهبری آموزشی

با توجه به جستجوهای گسترده‌ای که در پایگاههای معتبر داخلی علوم انسانی (پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام[1]، مگیران، علم نت، نورمگز و پایگاه علمی جهاد دانشگاهی[2]) انجام شد، تحقیقی به زبان فارسی که به طور مستقیم به ارتباط بین روش‌شناسی فوکو و رهبری آموزشی بپردازد، یافت نشد. فقط سه مقاله که شرح آن در ادامه خواهد آمد به دیرینه‌شناسی به عنوان یک روش تحقیق پرداخته است.

دژگاهی (۲۰۱۰)در مقاله ای با عنوان" دیرینه‌شناسی؛ راهبردی کیفی در تحقیقات علوم انسانی" که در نشریه روش شناسی علوم انسانی به چاپ رسیده است، به بررسی راهبرد دیرینه‌شناسی در تحقیقات علوم انسانی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف و پیچیده شکل‌گیری واقعیت را کشف کند. نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که راهبرد دیرینه‌شناسانه می‌تواند به دستیابی به سطحی چندبعدی از تفکر کمک کند که هم زمینه‌ساز پرورش خلاقیت است و هم با ارائه آرشیوی از پاسخ‌های مناسب، کارآیی تحقیقات علوم انسانی را افزایش دهد (دژگاهی, ۲۰۱۰).

اکبری (۱۳۹۳) در مقاله "دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو: گذر از تاریخ‌نگاری متدوال" به بررسی روش‌های دیرینه‌شناسی و تبارشناسی میشل فوکو و تفاوت آنها با تاریخ‌نگاری متداول پرداخته است. وی نتیجه‌گیری نمود که روش‌های دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو می‌توانند به درک عمیق‌تر و چندبُعدی‌تری از تاریخ و روابط قدرت کمک کنند و از محدودیت‌های تاریخ‌نگاری متداول، فراتر روند (اکبری ۲۰۱۴).

زارع مهرجردی، یوسفی و میرابی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان"تحلیل فرانظری دیرینه‌شناسی فوکو"، به بررسی رویکرد دیرینه‌شناسی میشل فوکو از دیدگاه فرانظری پرداختند. نتایج تحلیل فرانظری نشان می‌دهد که دیرینه‌شناسی، هرچند کمتر از تبارشناسی، مورد توجه پژوهشگران قرار دارد؛ اما علاوه بر اینکه یک رویکرد نظری کارآمد برای پژوهش‌های تاریخی جامعه‌شناختی است و نگاهی متفاوت به جامعه، تاریخ، دانش و معرفت را ترسیم می‌کند، رویکرد روش‌شناختی با دستورالعمل‌ها و قوانین مجزا و با ساختاری سیال و منعطف می‌تواند در پژوهش‌های تاریخی جامعه‌شناختی به طور موثری مورد استفاده قرار گرفته و به آن‌ها پویائی ببخشد (زارع مهرجردی، یوسفی و میرابی[3]، ۲۰۲۱).

بررسی پیشینه پژوهشی بین‌المللی، حاکی از آن است که مطالعه‌ای دقیقا منطبق با رویکرد مقاله ریچارد نیشه صورت نگرفته است. در ادامه مرتبط ترین مقالات مورد بررسی قرار می گیرد.

[1] Islamic World Science Citation Database(ISC)
[2] SID
[3] Zare Mehrjardy،Yousofi & Mirabi

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

بورک، لیدستون و رایان[1] (۲۰۱۳) در پژوهشی با نام " معلمان حرفه‌ای: یک دیرینه شناسی فوکویی[2] " به تحلیل چگونگی اجرای حرفه‌ای‌گری توسط معلمان پرداختند. این تحلیل از طریق چارچوب دیرینه‌شناسی فوکو انجام شد که به بررسی ساختارهای دانش و قدرت در زمینه‌های آموزشی می‌پردازد. در این مقاله حرفه‌ای‌گری به عنوان یک اجرای نمایشی تعریف می‌شود که در آن معلمان نقش‌های خود را بر اساس استانداردها و انتظارات موجود در سیستم آموزشی ایفا می‌کنند. این استانداردها اغلب توسط سیاست‌های آموزشی و ارزیابی‌های عملکردی تعیین می‌شوند. نویسندگان معتقدند که دیرینه‌شناسی فوکو به مطالعه سیستم‌های دانش و گفتمان‌هایی می‌پردازد که چگونگی تفکر و عمل ما را شکل می‌دهند. در این تحقیق، از دیرینه‌شناسی به عنوان ابزاری برای تحلیل نقش معلمان در سیستم آموزشی و نحوه پاسخ آنها به فشارهای حرفه‌ای استفاده می‌شود. مصاحبه‌های انجام شده با معلمان نشان می‌دهد که آنها چگونه با چالش‌های مختلفی که در اجرای حرفه‌ای‌گری با آن روبرو هستند، مقابله می‌کنند. برخی از معلمان این فرآیند را به عنوان فرصتی برای رشد می‌بینند، در حالی که برخی دیگر با مقاومت به آن پاسخ می‌دهند. در این مقاله گفتمان‌های عملکردی به عنوان مجموعه‌ای از انتظارات و استانداردهایی تعریف می‌شوند که بر اساس آنها عملکرد معلمان ارزیابی می‌شود. این گفتمان‌ها می‌توانند به تقویت یا محدود کردن فضای حرفه‌ای معلمان کمک کنند. در نهایت نویسندگان مقاله به این نتیجه می‌رسند که معلمان باید فضایی برای ایجاد گفتمان‌های جایگزین و مقابله‌ای داشته باشند تا بتوانند به طور مؤثر به تغییرات در تعریف حرفه‌ای‌گری پاسخ دهند. این امر می‌تواند به تقویت تفکر انتقادی و مهارت‌های تحلیلی معلمان کمک کند و به آنها امکان دهد تا در برابر فشارهای سیستم آموزشی مقاومت کنند (بورک و همکاران, ۲۰۱۳).

هارتر[3] (۲۰۲۱) در مقاله "دیرینه‌شناسی رهبری[4]"، رهبری را به عنوان یک پدیده فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد، که در طول تاریخ شکل گرفته و تکامل یافته است. وی معتقد است که رهبری همیشه در یک زمینه خاص اتفاق می‌افتد و این زمینه شامل فرهنگ نیز می‌شود. او تأکید می‌کند که برای درک عمیق رهبری، باید رابطه بین رهبری و فرهنگ را درک کرد و مطالعه رهبری بدون در نظر گرفتن فرهنگ، به طور ذاتی محدود است. هارتر از دیدگاه دیرینه‌شناسی به رهبری نگاه می‌کند و معتقد است که برای درک کامل رهبری، باید آن را در چارچوب فرهنگی خود مورد مطالعه قرار داد. وی معتقد است که رهبری یک فرآیند دوطرفه است و باید به عنوان یک گفتگو در نظر گرفته شود و رهبران باید به دنبال ایجاد یک فضای گفتگو باشند که در آن برای افراد این امکان فراهم باشند تا ایده‌ها و دیدگاه‌های خود را به اشتراک بگذارند و به حل مسائل بپردازند. هارتر با استفاده از تکنیک‌های دیرینه‌شناسی، سعی می‌کند تا ریشه‌های رهبری را کشف کند. او می‌خواهد نشان دهد که چگونه رهبری در طول زمان تغییر کرده و چگونه فرهنگ‌های مختلف بر شکل‌گیری آن تأثیر گذاشته‌اند. در نهایت، هارتر به این نتیجه می‌رسد که رهبری نه تنها یک مهارت یا توانایی است، بلکه یک پدیده فرهنگی است. او معتقد است که با درک بهتر رابطه بین رهبری و فرهنگ، می‌توانیم به رهبران کارآمدتری تبدیل شویم که قادر به ایجاد تغییرات مثبت در جوامع خود هستند (هارتر، ۲۰۲۱).

کریم[5] (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "درک فوکو: تغییر از دیرینه‌شناسی به تبارشناسی[6] " به بررسی تغییر روش‌شناختی میشل فوکو از دیرینه‌شناسی به تبارشناسی می‌پردازد. این تغییر نشان‌دهنده توسعه‌ی فکری فوکو در نحوه بررسی قدرت و موضوعیت است. در

[1] Bourke, Lidstone & Ryan
[2] Teachers Performing Professionalism: A Foucauldian Archaeology
[3] Nathan Harter
[4] An Archaeology of Leadership
[5] Muzaffar Karim
[6] Understanding Foucault: The Shift from Archaeology to Genealogy

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

دوره دیرینه‌شناسی، فوکو بر تحلیل سیستم‌های دانش تمرکز دارد. او به بررسی شرایطی می‌پردازد که دانش را ممکن می‌سازند و چگونگی تولید دانش در دوره‌های مختلف تاریخی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در تبارشناسی، فوکو به تحلیل قدرت و تأثیر آن بر تولید و مشروعیت‌بخشی به دانش و گفتمان‌ها می‌پردازد. او از تبارشناسی برای کشف تضادها و زمینه‌های پنهانی که بر ارزش‌های معاصر تأثیر می‌گذارند، استفاده می‌کند. در نهایت، تلاش می‌کند تا با مطالعه آثار مهم فوکو، این تغییر روش‌شناختی را درک کند و نشان دهد که چگونه این تغییر به فهم بهتر دغدغه‌های بزرگتر او در مورد قدرت و موضوعیت کمک می کند (کریم، ۲۰۲۱).

در مقاله "تحلیل فوکویی از رهبری آموزشی مرتبط با فرهنگ برای پناهندگان به عنوان تازه‌واردان[1]" نوشته عرار و اوروجو[2] (۲۰۲۱) رهبری آموزشی و عدالت اجتماعی برای پناهندگان با استفاده از دیدگاههای میشل فوکو بررسی می‌شود. این پژوهش چارچوب‌های رهبری مرتبط با فرهنگ[3] (CRL) و رهبری عدالت اجتماعی[4] (SJL) را در آموزش پناهندگان تحلیل و نقد می‌کند و نقش رهبران آموزشی در مدارس و دانشگاه‌هایی که پناهندگان در آنها تحصیل می‌کنند را مورد بررسی قرار می دهد. هدف اصلی تحقیق نشان دادن این موضوع است که چگونه رهبران آموزشی می‌توانند با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی پناهندگان و استفاده از روش‌های آموزشی مناسب، به موفقیت آنها در محیط جدید کمک کنند. همچنین به چالش‌هایی که پناهندگان در سیستم آموزشی با آنها مواجه هستند و نقش منفی قدرت در این فرآیند پرداخته و با استفاده از نظریه‌های فوکو، پیچیدگی‌های رهبری آموزشی و نقش قدرت در شکل‌دهی به سیاست‌ها و رویه‌های آموزشی برای پناهندگان را بررسی می‌نمایند. در پایان نویسندگان نتیجه می‌گیرند که برای ایجاد یک رهبری آموزشی مرتبط با فرهنگ برای پناهندگان، باید به پیچیدگی‌های روابط قدرت، دانش و هویت در محیط‌های آموزشی توجه شود. همچنین، رهبران آموزشی باید به طور انتقادی به نقش خود در شکل‌دهی به تجربه‌های آموزشی پناهندگان بیندیشند (عرار و اوروجو، ۲۰۲۱).

بحث و بررسی

مقاله "دیرینه‌شناسی رهبری آموزشی به عنوان یک حوزه بیانی" توسط ریچارد نیشه[5] به رشته تحریر در آمده است. این مقاله یکی از مجموعه مقالاتی است که در کتاب "راهنمای گفتمان رهبری و مدیریت آموزشی پالگریو" توسط انتشارات پالگریو مک میلان که بخشی از اشپرینگر نیچر است در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است. ویراستار این کتاب، آقای انگلیش[6] استاد و رئیس رهبری آموزشی در کالج معلمان است. پالگریو مک میلان یک ناشر جهانی معتبر در زمینه علوم انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود که کتاب‌ها، مجلات علمی و کتاب‌های الکترونیکی را در حوزه‌های مختلف از جمله علوم انسانی، علوم اجتماعی، مدیریت، اقتصاد، تاریخ، فلسفه، سیاست و روابط بین الملل منتشر می‌کند. نویسنده این مقاله دانشیار دانشکده آموزش در دانشگاه نیو ساوت ولز، سیدنی، استرالیا[7] است. علاقه‌مندی‌های پژوهشی او شامل رهبری آموزشی، مدیریت مدرسه و عدالت اجتماعی است. تمرکز خاص پژوهش او استفاده از دیدگاه‌های انتقادی در رهبری آموزشی برای بررسی کار مدیران مدارس محروم و چگونگی تلاش آنها برای دستیابی به نتایج

[1] A Foucauldian Analysis of Culturally Relevant Educational Leadership for Refugees as Newcomers
[2] Arar & Örücü
[3] Culturally Relevant Leadership
[4] Social Justice Leadership
[5] Richard Niesche
[6] Fenwick W. English
[7] UNSW Sydney, Sydney, NSW, Australia

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

عادلانه‌تر اجتماعی است. او تحقیقات خود را در چندین کتاب و مجلات علمی معتبر منتشر کرده و همچنین بنیانگذار و ادیتور مجموعه کتاب های «نظریه رهبری آموزشی» با انتشارات اشپرینگر است.

مقاله مذکور به بررسی چگونگی شکل‌گیری و توسعه رشته رهبری آموزشی به عنوان یک حوزه گفتمان‌ساز می‌پردازد. نویسنده مقاله استدلال می‌کند که رهبری آموزشی به عنوان یک حوزه دانش، مجموعه‌ای از گفتمان‌ها و شیوه‌های خاص تولید دانش است که در طول زمان شکل گرفته‌اند. مقاله با تحلیل تاریخی روند شکل‌گیری رشته رهبری آموزشی نشان می‌دهد چگونه این حوزه به واسطه مجموعه‌ای از گفتمان‌های خاص و نهادهای آموزشی قدرتمند در سطح جهانی تثبیت شده و به نقش نهادها و بازیگران کلیدی در شکل‌دهی این حوزه اشاره می‌کند. نیشه بر این باور است که قدرت گفتمان فوکو کمتر در کاربرد مفاهیم او، بلکه بیشتر در روش‌شناسی نوشتاری و تحقیقات آرشیوی او نهفته است که می‌تواند بینش‌ها و درک‌های جدیدی از شکل‌گیری دانش در زمینه رهبری آموزشی ارائه دهد. نیشه در این مقاله به بررسی نحوه استفاده از روش‌های فوکو برای کشف فرضیات نادیده گرفته شده و پنهان در رهبری و توسعه رویکردهای جدید و متفاوت برای ساخت نظریه در این حوزه می‌پردازد، سپس مثال‌هایی از تحقیقات اخیر در زمینه آموزش از دیدگاه فوکویی ارائه نمود تا نشان دهد که چگونه این دیدگاه‌ها می‌توانند به دستیابی به اشکال جدیدی از دانش کمک کنند و نحوه درک ما از مفهوم رهبری آموزشی و چگونگی پدیدار شدن آن را مورد سوال قرار دهند. در نهایت، مقاله به این نتیجه می‌رسد که مطالعات رهبری آموزشی نه فقط دانشی عینی و بی‌طرف، بلکه مجموعه‌ای از گفتمان‌های قدرت است که در طول زمان شکل گرفته و به بازتولید و تحکیم مناسبات قدرت در نظام آموزشی کمک می‌کند.

نویسنده به خوبی توانسته است روش‌های فوکو را، در زمینه رهبری آموزشی به کار گیرد و از آنها برای تحلیل و بررسی مسائل استفاده کند. یکی دیگر از نقاط قوت مقاله بررسی روش دیرینه‌شناسی فوکو جهت آشکارسازی فرضیات پنهان و نادیده گرفته شده در رهبری آموزشی است. علاوه بر این، نیشه در این مقاله توانسته است با استفاده از روش‌های فوکو رویکردهای جدیدی برای نظریه‌پردازی در زمینه رهبری آموزشی ارائه دهد.

علی رغم مزایای ذکر شده، بنظر می‌رسد مقاله نیشه، با چالش هایی هم مواجه هست. نویسنده در مقاله خود از اصطلاحات و مفاهیم فلسفی و نظریه‌های پیچیده‌ای استفاده کرده است که ممکن است برای خوانندگانی از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف که با این مفاهیم آشنایی ندارند، پیچیده و دشوار باشد. این اصطلاحات نیاز به دانش فلسفه و نظریه‌های فوکو دارند. برای مثال نویسنده به تعریف دقیقی از مفهوم گفتمان نمی‌پردازد. در این مقاله به روش‌های خاصی که برای تحلیل گفتمان رهبری آموزشی می‌توان استفاده کرد، اشاره نمی‌شود. همچنین به تنوع فرهنگی در گفتمان رهبری آموزشی و نقش فردی رهبران در شکل‌گیری و تغییر گفتمان کمتر توجه شده است. بنظر می رسد که نیشه در مقاله خود بیشتر به تحلیل‌های نظری پرداخته و کمتر به واقعیت‌های عملی و چالش‌های روزمره در رهبری آموزشی توجه کرده است. این موضوع ممکن است باعث شود که برخی از خوانندگان نتوانند به راحتی ارتباط بین نظریه‌ها و کاربردهای عملی آنها را درک کنند. همچنین برخی از مفاهیم و روش‌های ارائه شده در مقاله در عمل به سختی قابل اجرا بوده و نیاز به تطبیق بیشتری با واقعیت‌های عملی دارند. از سویی استفاده از روش‌های فوکو در تحلیل رهبری آموزشی ممکن است محدودیت‌هایی داشته باشد. به عنوان مثال، این روش‌ها بیشتر بر تحلیل گفتمان و ساختارهای قدرت تمرکز دارند و ممکن است به جنبه‌های دیگر رهبری آموزشی مانند تعاملات انسانی و روابط بین فردی کمتر توجه کنند. تحلیل‌های نیشه در این مقاله که بر اساس مفاهیم فوکو انجام شده است ممکن است به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی خاصی محدود شود و در برخی از فرهنگ‌ها و سیستمهای آموزشی کمتر قابل اجرا و مرتبط باشند. به عنوان مثال، ساختارهای قدرت و گفتمان‌های آموزشی در کشورهای مختلف

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

می‌تواند بسیار متفاوت باشد. این تفاوت‌ها ممکن است باعث شود که تحلیل‌های نیشه در برخی از فرهنگ‌ها کمتر کاربردی و مرتبط به نظر برسد. یافته‌های حاصل از گوگل اسکالرز[1] حاکی از این است که این مقاله در زمره منابع پر استناد نویسندگان مدیریت آموزشی نیست. مقاله مذکور از زمان انتشار آن در سال ۲۰۲۲ تا زمان نگارش این مقاله فقط ۲ بار مورد استناد قرار گرفته که توسط خود نویسنده در مقالات دیگرش بوده است. این موضوع حاکی از آن است که چندان مورد توجه پژوهشگران مدیریت آموزشی قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

استفاده از آثار میشل فوکو در رهبری آموزشی، ابزارها و مفاهیم پیچیده‌ای مانند، مسئله‌مندسازی و رویدادنگاری همراه با دیرینه‌شناسی و مفهوم رایج گفتمان را برای بررسی و بازبینی حوزه مطالعاتی رهبری آموزشی به همراه دارد. این روش‌ها به شناسایی و به چالش کشیدن فرضیات پنهان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها کمک می‌کند و به محققان امکان می‌دهند تا به درک عمیق‌تری از رهبری آموزشی دست یابند؛ و مفاهیم و فرضیات موجود را مورد بازبینی قرار داده و به توسعه نظریه‌های نوآورانه در این زمینه بپردازند.

مقاله "دیرینه‌شناسی رهبری آموزشی به عنوان یک حوزه بیانی" نوشته ریچارد نیشه، با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل گفتمان فوکو، به بررسی شکل‌گیری و توسعه رشته مطالعات رهبری آموزشی می‌پردازد. در این مقاله، نیشه توانسته است با استفاده از روش‌های دیرینه‌شناسی فوکو، فرضیات پنهان و نادیده گرفته شده در رهبری آموزشی را آشکار سازد و نقد نماید. همچنین، او موفق شده است رویکردهای جدیدی برای نظریه‌پردازی در این زمینه ارائه دهد. اما مقاله نیشه با چالش‌هایی مواجه است، از جمله استفاده از اصطلاحات فلسفی پیچیده که ممکن است برای برخی خوانندگان دشوار باشد.

منابع

Arar, K., & Örücü, D. (2021). A Foucauldian analysis of culturally relevant educational leadership for refugees as newcomers. In *The Palgrave handbook of educational leadership and management discourse* (pp. 1-15). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-39666-4_114-1

Beattie, L. (2020). Educational leadership: Producing docile bodies? A Foucauldian perspective on higher education. *Higher Education Quarterly, 74*(1), 98-110. https://doi.org/10.1111/hequ.12218

Bourke, T., Lidstone, J., & Ryan, M. (2013). Teachers performing professionalism: A Foucauldian archaeology. *Sage Open, 3*(4), 2158244013511261. https://doi.org/10.1177/2158244013511261

Dezhgahi, Z. (2010). Archaeology; Qualitative strategy in humanities research. *Methodology of Social Sciences and Humanities, 16*(63), 117-134.

Foucault, M. (1970). *The order of things: An archaeology of the human sciences*. London, UK: Tavistock.

[1]Google Scholar

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]

Foucault, M. (1975). *Discipline and punish: The birth of the prison*. Harmondsworth, UK: Penguin.

Foucault, M. (2002a). *The archaeology of knowledge* (trans: Sheridan-Smith, A. M.). London: Routledge.

Harter, N. (2021). An archaeology of leadership. *Academia Letters, 2.* https://doi.org/10.20935/AL497

Karim, M. (2021). Understanding foucault: The shift from archaeology to Genealogy. *Journal of Research in Humanities and Social Science*, *9*(9), 72-75.

Khalkhali, A., Pali, S., & Ahmadi, S. M. (2024). *Educational leadership diversity in theoretical perspectives.* Science Academy Publications.

Khan, T. H., & MacEachen, E. (2021). Foucauldian discourse analysis: Moving beyond a social constructionist analytic. *International Journal of Qualitative Methods, 20,* 16094069211018009. https://doi.org/10.1177/16094069211018009

Krarup, T. (2021). Archaeological methodology: Foucault and the history of systems of thought. *Theory, Culture & Society, 38*(5), 3-24. https://doi.org/10.1177/0263276420984528

Mifsud, D. (2017). *Foucault and school leadership research: Bridging theory and method.* London, UK: Bloomsbury.

Manokha, I. (2009). Foucault's concept of power and the global discourse of human rights. *Global Society, 23*(4), 429-452. https://doi.org/10.1080/13600820903198792

Nematy, S., & Shirbagi, N. (2022). Representation of the Concept of "Educational Leadership" in the
Published Articles of Journals in the Field of Education. J*ournal of Educational Sciences*, *29*(1), 221-240. doi: 10.22055/edus.2019.29345.2802

Niesche, R., & Gowlett, C. (2020). *Social, critical and political theories for educational leadership.* Singapore: Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-13-8241-3

Niesche, R. (2022). The archaeology of educational leadership as an enunciative field. In *The Palgrave handbook of educational leadership and management discourse* (pp. 9-21). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-99097-8_4

Poorghorban, Y. (2023). On Michel Foucault: Power/knowledge, discourse, and subjectivity. *OKARA: Jurnal Bahasa dan Sastra, 17*(2), 318-328. https://doi.org/10.19105/ojbs.v17i2.9749

Varghese, M. (2023). Michel Foucault and Post- Modern Historiography. In NCC (p. 249).

Zare Mehrjardy, M., Yousofi, A., & Mirabi, S. (2021). Meta analyzing Foucault's archaeology theory. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences, 20*(12), 187-210. doi: 10.30465/crtls.2020.26214.1586

[Downloaded from mail.selmj.ir on 2026-11-18]